

ناآرامیهای قومی در کردستان

۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۴ ساعت ۱۸:۰۷

جریان فعال موثر سوم که در واقع یکی از اضلاع چند ضلعی جریانهای فعال در کردستان را تشکیل می داد ، سازمان زحمتکشان کردستان معروف به « کومله » بود. نشریه «شورش» ارگان رسمی این حزب از خط مشی مارکسیسم ولنینیسم پیروی می کرد و آن را به عنوان مرام فکری حزب تبلیغ می نمود

۱۳۵۸ تا ۱۳۶۱ / ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۳

حزب دمکرات کردستان

شاخه های سیاسی حزب دموکرات به رهبری غنی بلوریان تحت حمایت روسیه و حزب توده که به دنبال کسب موقعیت رسمی و تثبیت شده در منطقه کردستان بود قرارداد داشت. حزب توده سعی داشت کردستان را مبدل به پایگاهی برای کمونیست ها نماید. به اعتراف بلوریان دلیل انشعاب او از حزب دموکرات به دلیل چرخش قاسملو به سوی غرب بوده است. جناح نظامی به رهبری دکتر قاسلمو که دارای نگرش غربی بود ، تحت حمایت سیاسی و مالی رژیم بعث عراق و آمریکا بود. طیف قاسلمو به دلیل نفوذ و شهرتی که در منطقه داشت نقش عمده ای را در بحران کردستان در دهه اول انقلاب داشت ، اما پس از ختم جنگ و مهار بحران کردستان ، تشکیلات و کادر رهبری حزب دچار تحول زیادی شد ، قاسلمو در تاریخ ۲۲ تیرماه ۶۸ در « وین » پایتخت اتریش کشته شد. پس از او «صادق شرفکندی» دبیرکل حزب شد که او نیز در فروردین ماه ۷۱ در آلمان به دست چند نفر ناشناس کشته شد. پس از مرگ شرفکندی، اختلافات در درون سازمانی بر سر انتخاب دبیرکل سرباز کرد و اما کمیته مرکزی حزب در یک بیانیه تحکمی در ۲۹ شهریور ۷۱ به صورت یک طرف «مصطفی هجری» را به عنوان دبیرکل معرفی کرد اما به دلایلی تشدید اختلافات، «مصطفی هجری» نیز در اوایل سال ۷۴ برکنار شد و کمیته مرکزی عبدالله حسن زاده را برگزید. ولی حزب به دو جبهه طرفداران هجری و طرفداران حسن زاده تقسیم شد. این صورت بندی هم اکنون نیز ادامه دارد.

تشکیلات احمد مفتی زاده

مفتی زاده به عنوان یک روحانی کرد زبان اهل سنت ، هدایتگر سازمانهای متعدد سیاسی و فرهنگی بود؛ از جمله ریاست تشکیلات ، مکتب قران ، شمس ، حزب مساوات ، کمیته مستقر در استانداری تحت عنوان « خودروی » و ریاست شورای یازده نفره شهر

سنندج. او در مصاحبه با «روزنامه کیهان» می گوید، «ما تجزیه طلب نیستیم اما ملت کرد و هرملت دیگر وقتی فکر کنند حقشان ضایع می شود، ممکن است به فکر تجزیه طلبی هم بیفتند، یعنی مظلوم حق دارد به هر ترتیبی خود را از ظلم برهاند؟!» وی در موضعی بالاتر جمهوری اسلامی را با رژیم طاغوت یکسان معرفی می کند و می گوید: «آنچه جای رژیم (رژیم سابق) را می گیرد، باز نام دیگری است چرا که آن چه در کردستان به وسیله ضد انقلاب می گذرد و آن چه در دستگاههای مختلف حکومتی و حتی اطراف امام نفوذ دارد، از نظر ماهیت هیچ فرقی با هم ندارند؟!»

سازمان زحمتکشان کردستان معروف به «کومله»

جریان فعال موثر سوم که در واقع یکی از اضلاع چند ضلعی جریانهای فعال در کردستان را تشکیل می داد، سازمان زحمتکشان کردستان معروف به «کومله» بود. نشریه «شورش» ارگان رسمی این حزب از خط مشی مارکسیسم ولنینیسم پیروی می کرد و آن را به عنوان مرام فکری حزب تبلیغ می نمود. این حزب که در سال ۱۹۴۸ توسط دانشجویان کرد متمایل به روسیه پایه ریزی می شد، پس از تجربه یک دوره فترت سیاسی، مجددا در سال ۵۶ با همکاری کردهای عراق راهی کردستان شد و تحت سازمان زحمتکشان کردستان راه اندازی و در بهمن ۵۷ فعالیت خود را شروع کرد. کومله نیز دارای مشی سکولار مبتنی بر ایده مارکسیستی بود. در مصوبه دوم اردیبهشت ۵۸ اساسنامه این سازمان در پاره خط مشی سیاسی آن آمده است «این سازمان، سازمانی مارکسیستی ولنینیستی است که به عنوان بخش پیشاهنگ پرورلتاریای کردستان و بخشی از جنبش طبقه کارگران ایران در راه برقراری سوسیالیسم و رسیدن به کمونیسم مبارزه می کنند و هدف خود را ایجاد یک جمهوری دموکراتیک انقلابی در ایران و کسب حق تعیین سرنوشت برای خلق کرد قرار داده است.

تشکیلات عزالدین حسینی

تشکیلات عزالدین حسینی محور بحران ها در کانون دوم قدرت یعنی مهاباد بود. عزالدین حسینی امام جمعه منصوب رژیم پهلوی بود و بعد از انقلاب نیز این جایگاه را داشت. او نقش کلیدی در هدایت بحران و تقویت مواضع گروههای معارض به ویژه حزب دموکرات داشت. عزالدین حسینی بعد از «مفتی زاده»، دومین رهبر روحانی کرد بود که افکار مقتی زاده به عنوان رهبر کانون قدرت سنندج را قبول نداشت و خود را رهبر اصلی تحولات کردستان قلمداد می کرد. عزالدین حسینی علاوه بر مسند امامت جمعه، ریاست شورای انقلاب شهر مهاباد و هیات نمایندگی خلق کرد مرکب از حزب دموکرات، کومله، فداییان خلق را بر عهده داشت. او از حس ناسیونالیسم بالایی برخوردار بود به طوریکه معتقد بود؛ «من اول کردهستم بعد مسلمان» وی که به شدت از سوی دولت عراق حمایت می شد، حتی کلیت نظام جمهوری اسلامی ایران را رد می کرد و می گفت: «ما این دولت را نه مترقی، نه مسلمان و نه به فکر ایرانش می دانیم؛ حتی او را ملی هم نمی دانیم و هیچ یکی، من اعلام می کنم اگر جبرئیل نیز بیاید و قوانینی بیاورد که خود مختاری کردستان در آن نباشد، آن را نمی پذیریم!!»

تشکیلات سپاه رزگاری

چهارمین جریانی که در پوشش ملی و مذهبی در تحولات کردستان فعال بود، جریان موسوم به سپاه رزگاری (رستگاری) بود. این گروه به رهبری شیخ «عثمان نقشبندی» رهبر فرقه صوفیان نقشبندی در کردستان ایران و عراق و ترکمن صحرا تشکیل شد. شیخ عثمان که از فئودالهای مطرح بود و رابطه بسیار نزدیکی با آخرین شاه عراق داشت. پس از روی کار آمدن عبدالکریم قاسم به ایران متواری شد و مورد استقبال «ساواک» قرار گرفت. او به دلیل فعالیتهای شدید ضد کمونیستی که داشت مورد توجه انگلیسی ها قرار گرفت. شیخ عثمان و دو پسر او (مادح و ناصح عثمان) از سوی ساواک به نمایندگی مجلس، مدیریت رادیو و تلویزیون کردستان و مدیریت کلی اطلاعات و جهانگردی منصوب شدند. آنها پس از انقلاب اسلامی به عراق رفتند و با تکیه بر وجهه سیاسی و مذهبی خود در میان مناطق کردنشین و با همکاری رژیم بعث تشکیلات «رزگاری» را در مناطق مریوان، اورامانات و اطراف سنندج سامان دادند و بعدها با حزب کومله ادغام شد.

تشکیلات موسی خیابانی

گروهک منافقین با معرفی «موسی خیابانی» به عنوان نماینده این گروه در کردستان فعالیت خود را در این منطقه آغاز کرد. خیابانی در پیامی خطاب به «قاسمو» با تشکر از تکامل حزب دموکرات با سازمان مجاهدین خلق ایران (منافقین) می گوید: «حکومت ایران در حال نابودی است لذا با ایجاد یک «منطقه آزاد شده» یک نقطه از کشور می توان کلیه جناح های مخالف که به طور متفرقه هر کدام جدایی از هم علیه رژیم اقدام می کنند در یک جا جمع کرد و ضربه ای موثرتری به جمهوری اسلامی ایران وارد آورد.»

ادامه دارد...

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/19272/کردستان-قومپ-نآرامیها/19272>